

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی"

دکتر شمس‌الحاجیه اردلانی^۱

چکیده:

روایت‌شناسی، شیوه‌های گوناگون نگارش و تحلیل ادبیات روایی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. با توجه به اطلاعات عمیق سیمین دانشور در زمینه روایت، نمایانند ابعاد روایت‌گری وی، هدف این پژوهش بوده است، لذا برای آشنایی و فهمیدن لایه‌های زیرین این رمان، با استناد، به شواهد استخراج شده، زمان، در رمان جزیره سرگردانی، به شیوه توصیفی تحلیلی مورد سنجش قرار گرفته، در میان شاکله‌های مبحث روایی، عامل زمان در "جزیره سرگردانی"، در اولویت قرار دارد، تلاقی لایه‌های متنوع زمان در بطن روایت، موجب پیچیدگی رمان گشته، تکنیک رجعت به گذشته وجه غالب روایت این رمان است، روایت گاه به شکل آینده‌نگر، با کارکرد تعلیق و جذب مخاطب به پیش‌بینی وقایع می‌پردازد؛ اما از چهارچوب دنیای بازنمایی شده داستان، فاصله نمی‌گیرد. نخستین زمان در میان زمان‌های درهم تنیده، متعلق به رویدادهای اصلی است که بر اساس زمان گاه‌نامه‌ای تداومی ده ماهه دارد، دانشور مفهوم ذهنی خویش را در زمان درونی رمان، با تمسک به رویدادهای تاریخی فراهم آورده، بسامد منفرد وجه غالب روایت را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: دانشور، روایت‌شناسی، جزیره سرگردانی. زمان در روایت

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

مقدمه:

مبحث روایت‌شناسی، شیوه‌های متفاوت نگارش و تحلیل ادبیات روایی، را مورد مطالعه و گفتگو قرار می‌دهد؛ نخستین بار تودورف واژه "روایت‌شناسی" را، به عنوان علم مطالعه قصه، به کاربرد، هدف وی از کاربرد این واژه، نه تنها بررسی قصه، داستان و رمان، که بررسی همه اشکال روایت نظیر اسطوره، فیلم، رؤیا و نمایش بود (اخوت، ۱۳۷۱: ۸). امروزه، دیدگاه ارسطو را درباره شیوه‌های روایت داستان، نقطه آغاز بحث روایت‌شناسی می‌دانند. روایت داستان از دید ارسطو دو گونه است، روایت توسط راوی و روایت توسط شخصیت‌های داستان؛ متنی که در آن داستان توسط راوی ارائه گردد، متن روایی و متنی که توسط شخصیت ارائه گردد، نمایشی، خواهد بود. نه تنها روایت را بدون زمان نمی‌توان تعریف کرد، بلکه روایت بدون زمان نمی‌تواند وجود خارجی داشته باشد. بنابه گفته ریمون کنان، «عنصر زمان نه فقط درون مایه مکرر داستان‌های روایی است، بلکه عنصر سازه‌ای داستان و متن نیز به شمار می‌آید. مختصه روایت کلامی این است که در آن زمان، مؤلفه اصلی ابزار باز نمایی (زبان) و شیء باز نموده (حوادث) داستان محسوب می‌شود» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۲). تودورف در تعریف روایت می‌گوید متنی است که دارای باز نموده زمانی (represented) است (اخوت، ۱۳۷۱: ۹). استخراج زمان در بافت متون به درک و فهم متون کمک می‌کند تبیین چگونگی کاربرد عنصر زمان، توسط سیمین دانشور، گزینه‌های مورد استفاده نویسنده، در مسیر انحراف از زمان تقویمی، به زمان متن، در عرصه زمان، کنش و کاربردهای متفاوت زمان و ارتباط مستقیم و معنادار آن، با محتوا، هدف این پژوهش است. در این مقاله کوشش شده است دیدگاه و نظریه روایی روایت‌شناس برجسته، ژرارژنت، (۱۹۸۰) با تکیه بر تفسیر تولان (۲۰۰۱) و ریمونکنان (۱۹۸۳)، پایه تحلیل روایی رمان جزیره سرگردانی قرار گیرد؛ روش

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی" • شمس‌الحاجیه اردلانی • صص ۴۰-۱۱ □ ۱۳

تحقیق در این جستار، کیفی، با رویکرد نظری نقد روایت‌شناسی ساختارگرا، است و زمان، به روش توصیفی مورد تجزیه و تحلیل، قرار می‌گیرد.

مبانی نظری پژوهش الف) تعریف روایت

بحث روایت از جمله نکات کلیدی مبحث داستان است، آگاهی از دانش روایت صرف‌نظر از اینکه، در شناخت هرچه بهتر داستان، یاری‌گراست، جهت نگارش این نوع ادبی نیز، ضرورتی تام دارد. اغلب روایت‌شناسان، بر این باورند که، روایت متنی است که قصه‌ای را بیان می‌کند و قصه‌گویی (راوی) دارد. هم‌چنان که "اسکولز" (Scholes) و "کلاک" (Kellogg) در کتاب "ماهیت روایت"، کلیه متون ادبی، دارای خصیصه "وجود قصه" و حضور "قصه‌گو" را، متنی روایی دانسته‌اند و نظر خود را مبنی بر روایی نبودن متونی چون نمایش‌نامه، که به زعم آنان، فاقد قصه‌گو است، بیان می‌دارند. (اسکولز، به نقل از اخوت، ۱۳۷۱: ۸)

روایت‌شناسان دیگر، نظیر "تراگوت" (Traugott) و "پرات"، (Prat) روایت را از جنبه زبانی مورد توجه قرار داده، آن را تجربه‌ای می‌دانند، که به فعل گذشته نقل می‌شود و اظهار می‌دارند، حتی اگر داستانی، از نظر دستوری به زمان حال نگاشته شود مخاطب، آن را تجربه‌ای مربوط به گذشته می‌داند. (اخوت، ۱۳۷۱: ۸، نقل از تودروف) در حالی که "شلومیت ریمون کنان" (Rimmon-Kenan) ماهیت زمانی روایت را اصل دانسته، می‌نویسد: توالی زمانی چند رویداد، کمترین ضرورت ساختار یک داستان است و علیت، اغلب در بطن داستان می‌تواند نمایان شود (Rimmon-Kenan, 1983: 19) "ژرار ژنت" (Gerard Genett) نویسنده و منتقد فرانسوی مسئله زمان روایت را، از سه جنبه بررسی کرده است: الف. نظم و ترتیب بیان روایت، که توالی زمانی رویدادها را، مورد مذاقه قرار می‌دهد. ب. طول مدت روایت، که ممکن است، با مدت زمان وقوع داستان برابر نباشد. ج. بیان رویدادهای تکرار شونده و یا

بیان مکرر رویدادها، بدین‌گونه که امکان دارد، یک رویداد واحد، بارها، در روایت تکرار شود و یا رویدادی که به کرات اتفاق افتاده، تنها یک بار ذکر شود. (ژنت، نقل از مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۸۱)

ب) روابط زمان روایت

مناسبات زمانی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده ساختار روایی هستند، که تکنیک هنری کارآمدی جهت ارائه جهان داستان به شیوه‌های متفاوت فراهم می‌کند. مقوله زمان، در جهان داستان، به روابط زمانی میان داستان و روایت (گزارش)، یا داستان و گفتمان (روایت)، اشاره دارد. اغلب رویدادها و حوادث در سطح داستان، به گونه‌ای ادراک می‌گردند، که گویی درتوالی زمانی دقیق و در ترتیبی سر راست و خطی اتفاق می‌افتند، در حالی که در سطح روایت (گفتمان)، می‌توان با استفاده از تکنیکی، هنری، توالی زمان داستان را، تغییر داد، به تأخیر انداخت، مؤکد نمود و یا شرح و بسط داد و رویدادها را برخلاف توالی زمان مستقیم، ارائه نمود و با بهره‌گیری از تمهیداتی، چون فلاش‌بک (رجوع به گذشته)، توازی، فلاش فوروارد (رجوع به آینده) در جهت پیچیده کردن روند پیش‌روی روایت، کوشید. مضاف بر این، امکان دارد رویدادهای ساده داستان را در الگوهای شامل: تکرار، حذف، تسریع و یا توقف زمان پیچید و عرضه نمود.

ژنت می‌گوید: داستان، زنجیره رویدادها و حوادثی است، که راوی با به کارگیری تمهیداتی، روابط توالی زمان داستان را دگرگون ساخته و با دقت در اجرای این تمهیدات، زمان‌بندی آن را تنظیم می‌کند. بنابراین، روایت، چگونگی عرضه رویدادهای داستانی است (ژنت، به نقل از اخوت، ۱۳۷۱: ۲۵). از دیگر سو ژنت میان روایت‌گری و فرآیند روایت کردن و خود روایت و آن چه، عملاً بازگو می‌گردد؛ تفاوت قائل است؛ و میان زمان متن و زمان روایت، تمایز گذارده، مسیر چرخش

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی" • شمس‌الحاجیه اردلانی • صص ۴۰-۱۱ □ ۱۵

داستان را از زمان تقویم (کرونولوژیک)، به زمان روایی (متن)، به سه مبحث عمده "نظم" (Order)، "تداوم" (Duration) و "بسامد" (Frequency) تقسیم می‌کند.

پ) انواع روایت از نظر ژنت

پ-۱) روایت "ما بعد" (گذشته‌نگر)

این نوع روایت به صورت زمان گذشته است. ژنت این روایت را "ما بعد" می‌داند، زیرا داستان ترتیب واقعی رویدادها را برهم زده، وقایع را در گذشته روایت نموده و به حال رسیده است. در این روایت، زمان طرح، فراتر از زمان داستان است.

پ-۲) روایت "مقدم"

در این روایت زمان طرح، جلوتر از زمان داستان است، یعنی آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد روایت می‌گردد، این روایت اختصاص به رؤیا و داستان‌های علمی و تخیلی دارد.

پ-۳) روایت "لحظه به لحظه"

روایتی است که زمان طرح با زمان داستان تداخل دارد، یعنی داستان، هر لحظه حوادث را دنبال می‌کند، این روایت پیچیده‌ترین روایت است. زیرا چند شخصیت روایت خود را ارائه می‌کنند.

پ-۴) روایت "هم زمان"

در این روایت، زمان روایت با زمان داستان تطابق دارد. ژنت، آرایش‌های زمان را، در کل متن، مورد مطالعه قرار داده، پنج عامل را برای تحلیل روایت، مورد توجه قرار می‌دهد، که سه عامل مربوط به زمان داستان و دو عامل مربوط به بررسی راوی

و دیدگاه مورد نظر او است. (همان: ۱۳۷۱: ۲۷)

ت) رابطه زمانی روایت و داستان

ژنت رابطه زمانی میان روایت و داستان را به سه جزء ترتیب (نظم)؛ تداوم (استمرار، دیرش)؛ تکرار (بسامد) تقسیم می‌کند.

ت-۱) ترتیب (نظم)

به رابطه میان توالی وقوع رویدادها، در داستان و ترتیب بازگویی آن‌ها در متن، اشاره می‌کند، توالی زمان مستقیم، خود نوعی از ترتیب است. ژنت هرگونه انحراف از توالی زمان مستقیم و یا در ترتیب آرایه رویدادهای متن را، نسبت به ترتیب وقوعشان، "ناهنگامی" می‌نامد. رویدادی که خارج از توالی مستقیم ارائه گردد، یعنی پاره‌ای از رویدادی را که دیرتر یا زودتر از موقعیت منطقی در متن حاضر شود، ناهنگام می‌نامد.

ژنت "ناهنگامی" را درون متن مطالعه می‌کند، هر چند ناهنگامی در یک جمله منفرد نیز قابل ملاحظه است. مثلاً جمله "ملکه از غصه مرد، زیرا پادشاه از دنیا رفت"، بند علی پیرو، ناهنگامی است؛ زیرا روایت واقعه‌ای است، که به صورت طبیعی در مرحله نخست روی داده. اما در روایت پس از گزارش مرگ ملکه بیان شده. ناهنگامی‌ها دو گونه هستند، الف: پس‌نگرها، (گذشته‌نگر یا متأخر) ب: پیش‌نگرها (آینده‌نگر یا متقدم)

ت-۱-۱) پس‌نگرها (متأخرها)

رویدادهایی هستند، که در داستان زودتر اتفاق افتاده باشند، اما در متن دیرتر از زمان منطقی خود، به شکل بازگشت به گذشته روایت شوند. متأخرها پیچیدگی و پیشروی روایت را فراهم می‌سازند و شامل بیان اطلاعاتی درخصوص گذشته

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی" • شمس‌الحاجبه اردلانی • صص ۴۰-۱۱ □ ۱۷

هستند، متأخرها، مایهٔ پیچیدگی روایت را فراهم می‌سازند (Rimmon-Kenan, 2001: 43). در پس‌نگرها نوعی "عقب‌گرد" (Flashback) نسبت به زمان تقویمی دیده می‌شود؛ یعنی واقعه‌ای که ابتدا روی داده است، بعد روایت می‌شود، مثل هنگامی که روایت از میانه به گذشته باز می‌گردد. مانند شرح آشنایی مراد و هستی روز برفی جلو دانشکده هنر، که به صورت گذشته‌نگر روایت می‌شود. (دانشور، ۱۳۸۱: ۱۷۶)

پس‌نگرها، (متأخرها): روایت‌آمیز و روایت‌گریز هستند. تأخرهای روایت‌آمیز اطلاعاتی درباره شخصیت یا واقعه‌ای ارائه می‌کند که در روایت قبلاً به آن اشاره شده باشد. اما تأخرهای روایت‌گریز اطلاعاتی درباره شخصیت یا واقعه‌ای ارائه می‌دهد که در متن به آن اشاره نشده باشد. مانند اطلاعاتی که در رمان جزیره سرگردانی در مورد آشنایی هستی و مراد، به صورت گذشته‌نگر ارائه شده. «ژنت این شیوه را بازگشت می‌خواند. بنابراین هرگونه افشاگری به تعویق افتاده‌ای تأخر، به شمار می‌رود» (Toolan, 2001: 43). پس‌نگرها، اگر دورهٔ زمانی پیش از رویدادهای روایت اصلی را در بر بگیرند، "بیرونی" هستند؛ مثل زمانی که یک روایت، اطلاعات پس‌زمینه‌ای، ارائه کند. تأخرها اگر شکافی را در روایت اصلی پر کنند، درونی هستند. اگر ارجاع به گذشته، هم‌زمان با شروع روایت باشد، آن را، پس‌نگر (متأخر) مختلط می‌نامند. (Rimmon-Kenan, 1983: 43)

ت-۱-۲) پیش‌نگرها (متقدم)

پیش‌بینی رویدادها و پیشی گرفتن از آنها است، به گونه‌ای که، حوادثی که در آینده اتفاق می‌افتند. در متن پیش از وقوع و موعد منطقی و مقرر خود، روایت گردند، درپیش‌نگرها (تقدم) نوعی جلو روی ویرشبه جلو، نسبت به زمان تقویمی، (کرونولوژیک) رخ می‌دهد و رویدادی که اتفاق نیفتاده، پیش از رخداد اولیه، روایت

می‌گردد؛ گویی روایت به آینده داستان نقل مکان می‌کند. پیش‌نگرها موجد نوعی تعلیق در داستان هستند، مانند آینده‌نگری اعدام آقا شیخ سعید (دانشور، ۱۳۸۱: ۲۳۶). ژنت بر آن است که تقدّم به انسجام ساختار روایی کمک می‌کند زیرا مخاطبان، همواره نیازمند مرور و بازنگری فرضیه‌های خود، درباره داستان، هستند (Toolan, 2001: 53). وی در بحث نظم، به بررسی ارتباط میان توالی و ترتیب ارائه رویدادها، در متن می‌پردازد، و می‌نویسد: «نویسنده با ایجاد دگرگونی در نظم خطی روایت، قادر است روند داستان را جذاب‌تر و پرکشش‌تر کند. وی معتقد است، پس‌نگرها و پیش‌نگرها عمده‌ترین ناهماهنگی‌های زمان روایت را می‌سازند. تولان نیز ناهنگامی‌ها را موجد جذابیت و سرگرم‌کنندگی داستان می‌داند.» (Toolan, 2001: 51)

ت-۳) تداوم (استمرار)

دومین مقوله از سری مقوله‌های زمان روایت، در نظریه ژنت، تداوم است، که گستره زمانی روی دادن واقعی حوادث را، نسبت به حجم متن اختصاص یافته همان رویداد، می‌سنجد. ژنت از سنجش این نسبت، ضرباهنگ و شتاب داستان را معین می‌کند. ژنت خود، تداوم را سرعت می‌نامد. احمدی، در تبیین تداوم، می‌نویسد: ژنت، در تداوم روایت، نشان می‌دهد کدام یک از رخدادها یا کارکردهای داستانی را می‌توان گسترش داد و یا حذف نمود. منطق روایت در این مورد، با صراحت و قدرت بیشتری آشکار می‌گردد، تا حدودی نیز می‌توان قاعده‌ها و ضابطه‌هایی را یافت که نشان دهد در چه مواردی داستان را با شرح دقیق‌تری می‌باید آورد، و کجا قصه‌گویی سرعت و چه وقت آرام می‌گیرد. (احمدی، ۱۳۷۲: ۲۱۶)

حذف مطالب یا خلاصه آن، موجد شتابی مثبت می‌گردد، که با کندی حاصل از هرگونه بسط در توصیف، در تضاد است. ژنت، با اتخاذ یک استراتژی درون‌متنی،

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی" • شمس‌الحاجه اردلانی • صص ۴۰-۱۱ □ ۱۹

دست به اندازه‌گیری سرعت می‌زند و سرعت متن را، در هر بخش اندازه گرفته، با بخش‌های دیگر مقایسه می‌کند. او در این راستا، مقیاس تداوم داستان را، دقیقه، ساعت، روز، ماه، سال و مقیاس تداوم متن را، (سطر و صفحه) قرار می‌دهد. (احمدی، ۱۳۷۲: ۲۱۶). ژنت نسبت ثابت بین طول متن و تداوم داستان را (دوره و زمانی که به حوادث واقعی داستان اختصاص می‌یابد) به عنوان معیار فرض می‌کند، آن‌گاه، در قیاس با آن، سرعت و ضرباهنگ متن را اندازه‌گیری می‌کند. برای مثال؛ پس از اندازه‌گیری کل متن (سیصد صفحه) نسبت به تداوم داستان (سیصد روز) هر صفحه از متن به طور نسبی به یک روز از زندگی شخصیت اختصاص خواهد داشت، ژنت این نسبت را، "شتاب معیار" و ثابت، فرض می‌کند. سپس نسبت حجم متن را که در بخش‌های دیگر اختصاص به دوره زمانی خاصی از زندگی شخصیت دارد، در مقایسه با شتاب معیار، ارزیابی می‌کند، بنابراین اختصاص قطعه بلندتری، از متن را در بخش دیگر به مدت کوتاه‌تری، از زندگی شخصیت، در قیاس با شتاب معیار، "شتاب منفی" می‌نامد و اختصاص قطعه کوتاه‌تری را از متن، به مدت زمان طولانی‌تری از زندگی وی را "شتابی مثبت" تلقی می‌نماید. تولان معتقد است، که سرعت متن در مقایسه با دیگر آثار نویسندگان نیز باید انجام گیرد. (Toolan, 2001: 42) این روش ژنت معیاری برای اندازه‌گیری سرعت در روایت قرار گرفته، بر اساس آن، سرعت گرفتن و آهسته کردن سرعت قابل درک می‌گردد. (Toolan, 200: 48)

ت-۳-۱) فرم‌های تداوم

مؤلفه‌های صحنه، مکث توضیحی، تلخیص و حذف، فرم‌های اصلی استمرار به شمار می‌آیند و به تغییر سرعت و یا ضرباهنگ میان آهنگ ثابت داستان و ضرباهنگ متغییر روایت، بستگی دارند.

ت-۳-۲) مکث توضیحی

هنگامی صورت می‌گیرد که زمان داستان ثابت است، در حالی که توضیح ادامه می‌یابد "چتمن" (SeymoorChatman) و "هندرسن" (BrianHenderson) مکث توضیحی را از یک چشم انداز، به صورت نهایی در خدمت پیش‌برد روایت می‌دانند و استدلال می‌کنند که حتی اگر هیچ کنشی در مکث توضیحی اتفاق نیفتد، زمانی که صرف آن می‌شود، مایهٔ ایجاد انتظار برای کنشی می‌گردد که قرار است اتفاق بیفتد. (استم و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۶۷)

ت-۳-۳) حذف

در حذف رابطهٔ معکوس میان زمان روایت و زمان داستان اتفاق می‌افتد. بنابراین در حذف، زمان، در داستان می‌گذرد، در حالی که در روایت زمان سپری نمی‌گردد. این مقوله نویسنده را مجاز می‌کند که حوادث کم اهمیت را کنار گذارده، رخداد‌های علت و معلولی را، فشرده کرده، گسترهٔ وسیع داستان را، با اسلوبی موجز، نمایان سازد. حذف به مثابه ابزار اصلی تحلیل و تفسیر تاریخی کاربرد دارد. بر اثر حذف لحظه‌های جداگانه‌ای از گذشته، به گونه‌ای به هم پیوند می‌خورند، که رابطه‌ای استدلالی به ظهور برسد. (همان)

ت-۳-۴) صحنه

فرم دیگری از استمرار است، که در آن زمان داستان و زمان روایت برابر است و رویدادها، بدون دخل و تصرف، در زمان ثبت می‌گردند (استم و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۶۷). «برجسته‌ترین نمود صحنه، دیالوگ است که، تعادل زمانی میان زمان متن و زمان داستان، در آن، برقرار است.» (همان: ۱۶۸)

ت-۳-۵) تلخیص

چهارمین مقوله استمرار (تداوم) تلخیص است، که در آن برهه‌ای طولانی از زمان داستان به شکل یرشی کوتاه، فشرده و خلاصه می‌شود. تلخیص، سلسله رویدادهای پراکنده طول رمان را، به صورتی موجز می‌نمایاند. مثل موتناژ عنوان‌های روزنامه‌ها که به طور فشرده، اوج گرفتن یک سیاست‌مدار یا بازی‌گر را نشان می‌دهند. (همان). وقایع و گفتگوهای مهم‌تر، به صورت صحنه، و وقایع و گفتگوهای کم‌اهمیت‌تر به صورت خلاصه، در متن می‌آیند. اغلب نویسندگان از این معیار تبعیت نمی‌کنند؛ درحالی که بهره‌گیری از این روش، انتظارات قراردادی مخاطبان را، کنترل می‌کند. «مثلاً؛ ممکن است وقایع مهم و ناگوار را گذرا و خلاصه، نمایان سازند و وقایع و رویدادهای کم‌اهمیت را با جزییات ارائه دهند.» (Toolan, 2001:58)

ت-۳-۶) تکرار

سوّمین مقوله بزرگ ژنت در بحث زمان، تکرار در نقل روایت است که ارتباط میان تعداد دفعات رخداد در داستان و دفعات بازنمایی آن را در روایت، مورد توجه قرار می‌دهد. این روابط به سه فرم خلاصه می‌شود: الف- شرح مکرر یک رویداد ب- یک شرح از رویدادهای مکرر ج- رابطه یک به یک رویدادها.

به نظر می‌رسد تکرار چندباره یک رویداد از نظر داستانی باید دلیل خاصی داشته باشد و از طریق ضرورت‌های داستانی و حضور بیش از یک راوی برون‌داستانی قابل توجیه باشد. ژنت به بررسی نقش رویدادهای تکراری می‌پردازد و نسبت آن را با موقعیت داستان روشن می‌نماید. او می‌پرسد آیا رخداد تکراری هر بار از دیدگاهی واحد روایت شده است؟ و یا در هر نوبت چه نقشی دارد؟ اهمیت این بررسی به گفته ژنت در نقشی است که در شناخت زمان داستان دارد. یعنی نسبت زمان را با موقعیت آشکار می‌کند (احمدی، ۱۳۷۲: ۲۱۶). نوع متضاد فرم تکرار عبارت است از،

یک شرح واحد از رخداد‌های متعدد، که به شیوه بسامدی شهرت دارد. مقدادی می‌نویسد: نقل یک واقعه دررمان، به سه روش، شکل می‌گیرد: ۱. نقل منفرد ۲. نقل تکراری ۳. نقل اختصاری، ژنت از روش چهارمی نیز سخن می‌گوید. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۷۳)

ت-۳-۷) نقل منفرد

معمول‌ترین، شکل روایت نقل منفرد است، که نویسنده از یک واقعه درگذشته، یک بار یاد می‌کند، که متداول‌ترین نوع روایت است. نوعی از این بسامد، تکرار n بار از واقعه‌ای است، که n بار اتفاق افتاده باشد، این نوع کمیاب است و معمول نیست. (Toolan, 2001: 52). مثلاً شرح مکرر نماز صبح مادر بزرگ در رمان دانشور از این گونه است.

ت-۳-۸) نقل مکرر

در این شکل از روایت، نویسنده، رویدادی را که یک بار حادث شده است، چند مرتبه تکرار می‌کند، (مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۱۳) اگر حادثه‌ای، یک بار اتفاق افتاده باشد و n دفعه به تکرار آن بپردازیم، طرح مکرر است و می‌توان از دیدگاه یک فرد، حادثه‌ای را به هر علت n بار تکرار کرد، مثلاً به علت تأثیری که حادثه بر فرد گذارده است و یا برای تأکید هدف‌دار نویسنده. (انوت، ۱۳۷۱: ۴۵). ریمون کنان این نوع روایت را چند محور نامیده است، او می‌نویسد: «روایت چند محور از فرایندهای گوناگونی نتیجه می‌شود؛ فرایندهایی نظیر پرداختن مکرر به داستانی واحد، توسط شخصیتی واحد، روایت‌های مکمل چندین شخصیت داستانی در باره پدیده‌ای واحد - که این خود پندار سه بعدی بودن را به وجود می‌آورد- و روایت‌های متناقض یک یا چند شخصیت که ما را نسبت به واقعیت داشتن یک رخداد خاص یا نسبت به مضمون

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی" • شمس‌الحاجیه اردلانی • صص ۴۰-۱۱ □ ۲۳

دقیق آن دچار شک و تردید می‌کند» (تودورف، ۱۳۷۹: ۶۱) سیمین دانشور از این فرایند در جزیره سرگردانی سود می‌جوید تا برخی از رویدادها را برجسته سازد مثلاً؛ شهادت حسین نوریان در جزیره سرگردانی و بمب‌گذاری در ماشین مستر هیتی، رویدادهایی هستند که فقط یک بار اتفاق افتاده‌اند اما به کرات، تکرار شده است.

ت-۳-۹) نقل اختصاری

(نقل بازگو) از نظرریمون کنان، اگر حادثه‌ای که n بار اتفاق افتاده، فقط یک بار بازگو شود، طرح بازگو است و زمان دستوری آن نیز می‌تواند، حال ساده یا گذشته ساده باشد؛ مقدادی این نوع روایت را، نقل اختصاری می‌نامد. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۷۳)

ث) بررسی رمان جزیره سرگردانی از دیدگاه زمان

رمان جزیره سرگردانی به شیوه مستند-تخیلی نگاشته شده. امتزاج و در هم آمیختگی واقعیت و خیال در این رمان حیرت‌آور است، این رمان بیست و سه فصل دارد. متن اصلی کتاب دارای سیصد و بیست و شش صفحه و متوسط صفحات هر فصل حدود شانزده صفحه است؛ صفحات اختصاص داده شده، به فصل‌ها میان شش تا بیست و هشت صفحه، در نوسان است. آغاز و پایان‌بندی این رمان، فضایی سوررئالیستی دارد. به عبارتی با یک خواب آغاز شده و با یک خواب دیگر به پایان می‌رسد.

ث-۱) خلاصه رمان

رمان جزیره سرگردانی در لایه ظاهری خود، قصه دختری به نام هستی است که پدرش حسین نوریان در فاصله میان ۲۳ تا ۲۸ مرداد سال (۱۳۳۲ ه.ش) به طور

تصادفی، روبروی مجلس کشته می‌شود. عشرت مادر هستی پیش از سالگرد حسین نوریان، درحالی که پسرش، شاهین هنوز یک سال نداشت با احمدگنجور ازدواج می‌کند، توران خانم مادر حسین نوریان تربیت هستی و شاهین را بر عهده می‌گیرد و خود نیز به ادامه تحصیل در دانشکده ادبیات می‌پردازد و با استاد فروزانفر آشنا می‌گردد. هستی بزرگ شده وارد دانشگاه می‌شود، با هم‌دانشکده‌ای خود، مراد پاکدل روابط عاشقانه برقرار می‌کند، مراد برای ازدواج با هستی، هرگز پیش‌قدم نمی‌گردد و بجز خود هستی کسی به این ازدواج تمایل ندارد، عشرت مادر هستی، با مادر سلیم فرخی که به تازگی از انگلستان بازگشته و متعلق به خانواده‌ای بورژوا است آشنایی دارد، عشرت مقدمات آشنایی سلیم و هستی را فراهم می‌سازد، هرچند، هستی زیر بار نمی‌رود. اما پس از دیدن سلیم دچار تردید می‌گردد، عشق سلیم در دل هستی لانه می‌کند و در تردید میان عشق مراد و سلیم به سرگردانی می‌رسد. سلیم از هستی درخواست ازدواج می‌کند. اما هستی پاسخ قطعی را به زمان بازگشت مراد، از مشهد موکول می‌کند. سلیم که فردی ملی-مذهبی است، برای دیدن هستی به خانه توران خانم می‌رود، دیدن عکس پدر هستی بهانه‌ای می‌گردد برای مرور حوادث دوران مصدق و بازنمایی تفکرات جلال‌آل‌احمد؛ در این نشست، عقاید سلیم آشکار می‌گردد، اساسی‌ترین دل‌مشغولی این رمان پرداختن به جنبش انقلابی جوانان این سال‌ها است. روز چهارم فروردین، در منزل آقای فرخی تا حدودی ماهیت سلیم، آشکار می‌گردد، هستی از سلیم رنجیده خاطر می‌گردد. مراد روز یازدهم فروردین از مشهد بازگشته، به دیدن هستی می‌رود، هستی مسئله ازدواج را دوباره طرح می‌کند، اما مراد مخالفت می‌کند. هستی پس از بازگشت از نزد مراد، تلفنی به اطلاع سلیم، می‌رساند که کدورت‌ها را فراموش کرده، سپس همراه سلیم به شمایل گردانی رفته با آقا شیخ سعید، رهبر مبارزان مذهبی آشنا می‌شود.

در خانه مردان توسلی، به مناسبت به اتمام رسیدن ماموریت مستر هیتی کارگزار

آمریکا، جشنی برپا شده، هستی در این جشن با مستر کراسلی عضو اف. بی‌آی و همکار ساواک آشنا می‌شود او که به هستی نظر دارد، از جزیره‌ای به نام جزیره سرگردانی سخن می‌گوید، هستی متوجه می‌شود، کراسلی قصد دارد به ساواک پیشنهاد بدهد محکومانی را که مقرر نمی‌آیند، روانه این جزیره کند. هستی در عالم خیال، جزیره را با تصاویری سوررئالیستی و تک‌گویی درونی پیش رو گذارده، به نوعی، سرنوشت خود را با این جزیره در پیوند می‌بیند. مراد که به یاری مردم حلبی آباد شتافته بود، بیمار و درمانده توسط پسر بچه‌ای به نام فضل‌الله، از هستی تقاضای کمک می‌کند، هستی به حلبی‌آباد رفته، مراد را با خود می‌آورد، پس از چند روز مراد، توسط مرتضی، به خانه تیمی برده می‌شود. هستی مجبور می‌شود بار دیگر به حلبی‌آباد برود تا خبر لو رفتن عملیات را به پوریا نامی، برساند، هستی در حلبی‌آباد متوجه می‌شود، پوریا کسی جز سلیم نیست. پای هستی ناخواسته به ماجراهای سیاسی کشیده می‌شود. عشرت در پی افتضاحی که با مردان توسلی به بار آورده گم و گور می‌شود. هستی درمی‌یابد، مادرش مدتی در منزل سلیم مخفی بوده است. بنابراین در جستجوی مادر به منزل سلیم می‌رود. در فرصت پیش آمده، هستی و سلیم صیغه عقد خود را جاری نموده و در دفتر یادداشت سلیم، ثبت می‌کنند؛ مرتضی، در درگیری خیابانی کشته می‌شود، مراد هراسان به منزل توران خانم پناه می‌برد، سلیم مراد را، به منزل خود می‌برد؛ چند روز بعد که هستی و عشرت در ظاهر برای گفتگو درباره ازدواج سلیم و هستی، اما در حقیقت جهت انتقال مراد به محل امن‌تری، به منزل سلیم می‌روند، هستی در منزل سلیم می‌ماند، و بدون هماهنگی با خانواده ازدواج می‌کنند و رمان با رویای هستی به پایان می‌رسد.

ث-۲) استمرار (تداوم) در جزیره سرگردانی

نشانه‌های زمانی که از سوی نویسنده در رمان جزیره سرگردانی، به کار گرفته

شده بسیار متنوع است، گاه این نشانه‌ها بسیار بارز و گاه کم و بیش آشکار هستند. سیمین دانشور در این رمان چندین اشاره مشخص به زمان دارد. با یاری گرفتن از این اشاره‌های زمانی، سیلان تدریجی زمان داستان در معرض دید مخاطب قرار خواهد گرفت. از آن جا که رمان جزیره سرگردانی بر اساس روندی زمان‌مند، روایت نشده و به سختی زیر بارخطی و ممتد بودن زمان می‌رود، خود را به شیوه روایت سیال ذهن نزدیک می‌گرداند؛ در این رمان با چند زمان در هم تنیده روبرو هستیم، نخستین زمان به رویدادهای اصلی رمان مربوط است که طبق زمان تقویمی (کرونولوژیک) در محدودهٔ زمان تاریخی، گنجانده می‌شود و از یک صبح جمعه، نیمه دوم اسفند سال (۱۳۵۳) آغاز می‌گردد، که با دقت در نحوه زمان‌بندی رمان، این تاریخ از چند نشانهٔ زمانی تقریباً آشکار، استخراج می‌گردد، از جمله این نشانه‌ها، اعلام سن هستی، اعلام سن شاهین، هنگام مرگ پدرش (حسین نوریان)، اختلاف سن هستی با شاهین (ص، ۱۸)، حضور دکتر علی شریعتی، به عنوان شخصیتی فرعی و تاریخی، در متن رمان، در میان نمازگزاران مشهد، در کنار مراد پاکدل، (شخصیت فرعی رمان) است؛ از دیگر نشانه‌های تاریخی روشن این رمان، زمان رویداد مرگ حسین نوریان، پدر هستی است، هر چند دانشور، تاریخ این رویداد را، به صراحت ذکر نمی‌کند. تا مخاطب را دست کم نگرفته، اجازه دهد خود به کنکاش در متن پردازد؛ مخاطب، برای استخراج این تاریخ در مقابل چندین گزینه قرار می‌گیرد. پس از بررسی رویداد مرگ حسین نوریان از دیدگاه شخصیت‌های رمان، تاریخ واقعی این رویداد میان ۲۵ تا ۲۸ مرداد (۱۳۳۲) قطعی می‌گردد. و گزینه‌های دیگر رد می‌گردد. شناسه‌های زمانی به کار رفته توسط مرتضی شخصیت فرعی رمان، حکایت از واقعه مجلس چهاردهم (سی تیر) دارد، که مرتضی به طور ضمنی شهادت حسین نوریان را در چنین روزی رد می‌کند و کشته شدن دانشجویی به نام رضا خواجه نوری را در این روز تایید می‌کند. «هواداران مصدق، مصدق را به یک عتیقه

فروشی، دم شاه‌آباد بردند رضا نامی در عتیقه فروشی سرک کشید تیر خورد،» (دانشور، ۲۵۶: ۱۳۸۰). توران خانم در شرح شهادت پسرش (حسین نوریان) برای هم کلاسی‌های خود از روز نهم اسفند سال (۱۳۳۱) و نجات فرزندش توسط خانم متوجه نامی یاد می‌کند. «روز نهم اسفند است شاه رفته، اوپاش از درکاخ به در خانه مصدق هجوم آوردند. زنده باد رهبر ملی ایران دکتر مصدق، اراذل به سمت او یورش می‌آورند خانم متوجه نامی به دادش می‌رسد و از چهارپایه می‌کشدش پایین و گرنه همان روز شهید شده بود.» (همان: ۱۴۷). و به این ترتیب، گزینه نهم اسفند و سی تیر (۱۳۳۱) به عنوان روز شهادت حسین نوریان رد می‌شود، در میان مستندات تاریخی تنها گزینه رویداد بیست و پنج الی بیست و هشتم مرداد (۱۳۳۲) باقی می‌ماند که تاریخ واقعی کشته شدن حسین نوریان است. (همان: ۱۱۱) سپس با بهره‌گیری از نشانه‌های زمانی متن نظیر اختلاف سن هستی و شاهین (همان: ۱۸) متوجه می‌شویم هستی هنگام مرگ پدر در سال (۱۳۳۲) چهار ساله بوده است طبق این استدلال تولد هستی در چهارم فروردین (۱۳۲۸) اتفاق افتاده و تولد بیست و شش سالگی وی چهارم فروردین ۱۳۵۴ است، بنابراین آغاز رویداد رمان اسفند سال ۱۳۵۳ است. پایان کنش‌ها و رخداد‌های رمان بر طبق زمانبندی حاکم بر کل داستان و نشانه‌های زمانی که با دیگر نشانه‌های موجود در متن تناسب دارد، تا زمستان سال (۱۳۵۴) به طول می‌انجامد، بنابراین رخداد‌های واقعی رمان دارای تداومی ده ماهه (۳۰۶ روز) است حجم متنی که به این رویداد اختصاص یافته نیز سیصد و بیست و شش صفحه است. ضرباهنگ موجود از طریق رابطه میان مدت زمان و تداوم داستان (۳۰۶ روز) با تعداد صفحاتی که این مدت به خود اختصاص می‌دهد (۳۲۶ صفحه) قابل تشخیص است و بر این اساس شتاب ثابت (معیار) این رمان بر پایه (۱/۰۶) صفحه در روز اندازه‌گیری می‌شود که نسبت به رمان پیشین خانم سیمین دانشور ضرباهنگی با شتاب مثبت ارزیابی می‌شود. پس از اندازه‌گیری ضرباهنگ شتاب بخش‌های

دیگر رمان میانگین وزنی شتاب رمان نیز بر پایه (۵۶٪) ارزیابی می‌شود. که بیان‌گر ضرباهنگ شتاب منفی کل متن است.

یکی از عوامل ایجاد شتاب منفی در رمان جزیره سرگردانی وجود مکث‌های توضیحی است که زمان داستان را ثابت نگه می‌دارد و سیمین دانشور از آن در جزیره سرگردانی به فراوانی بهره‌جویی کرده و به نسبت سووشون کلامش شاعرانه‌تر گشته؛ در همان بخش اول در آغاز داستان علاوه بر توصیف ماهرانه حمام سونا، در یک تداعی آزاد که توسط هستی صورت می‌گیرد، استخرگامیش‌گلی، در تقابل حمام سونا قرار گرفته، یکی جهنم دانه، و دیگری جهنم غیردانه و جهنم برهنه‌های چاق بی‌درد نامیده می‌شود. سیمین دانشور در این رمان، با موفقیت چشم‌گیری، به توصیف فضاهای گوناگون ذهنی شخصیت‌های داستان می‌پردازد. توصیف حلبی‌آباد، توصیف خانه مردان، توصیف سفره هفت‌سین خانه گنجور، و سفره هفت‌سین توران خانم، همه و همه علاوه بر تقابل داشتن با همدیگر، موجد نثری شاعرانه و آهستگی ضرباهنگ شتاب داستان، شده است.

دانشور در توصیف ماهرانه زن چاق موفر فری حمام سونا، بیافرایی‌های گرسنه را در تقابل او نهاده.

«هستی به خانم موفر فری هشتاد کیلویی رو کرد، اما زن داشت از "رایا" وقت می‌گرفت و چانه می‌زد که نوبت ماساژ او را، جلو بیندازد، هستی حالا دیگر مصمم شده بود. یک تابلو حمام سونا بکشد و اسمش را بگذارد برهنه‌های چاق بی‌درد و ندانست چرا ناگهان به یاد بیافرا افتاد و آدم‌های از لاغری چون دوک و بچه‌هایی که دنده‌هایشان را می‌شد شمرد، اما شکم‌هایشان برآمده بود، شکم‌هایی که خالی بود، پس چرا برآمده بود؟» (همان: ۱۸)

سیمین دانشور به سبک سووشون وقایع مهم‌تر را با جزییات بیشتری نقل نموده و به رویدادهای کم اهمیت‌تر پرداخته است؛ در جزیره سرگردانی با استفاده از

تکنیک هنری نابهنگامی‌ها روابط توالی زمان داستان را تغییر داده به تأخیر می‌اندازد و روایت را خلاف توالی زمان مستقیم، ارائه نموده، با استفاده از تمهیداتی، چون فلاش بک، (رجوع به گذشته)، توازی، فلاش فوروارد (رجوع به آینده)، روند پیشروی روایت را پیچیده کرده است. علاوه بر این، رویدادهای داستان را در الگوهای شامل تکرار، حذف، توضیح و یا توقف زمان، پیچیده، به نمایش می‌گذارد. نکته قابل ذکر این‌که زمانی که در خلال زمان اصلی رویدادها گزارش می‌شود بسیار فشرده شده و در گستره وسیع روایت به شکلی موجز نشان داده شده است؛ در نتیجه منجر به حذف و برش‌های زمانی گشته و به شکلی پراکنده لحظه‌های جداگانه‌ای از تاریخ ایران را نشان می‌دهد.

ث-۳) نظم (ترتیب) در رمان جزیره سرگردانی

رمان جزیره سرگردانی که به شیوه مستند-تخیلی نگاشته شده است در یک روز جمعه اواخر اسفند سال (۱۳۵۳) در تهران آغاز می‌شود و طی یک دوره ده ماهه در سال (۱۳۵۴) پایان می‌پذیرد. این رمان در پی انعکاس مضامینی چون: سرگردانی ایران، بی‌هویتی بورژواها و تازه به دوران رسیده‌ها است؛ یکی از اصلی‌ترین دل مشغولی رمان، پرداختن به جنبش و شور انقلابی جوانان این سال‌ها است. در این روایت، ارتباط روحی نداشتن روشنفکران و توده مردم انعکاس دارد. سیمین دانشور ایام را ایام بی‌شبابی رمه‌ها می‌نامد. و جنبش جوانان دوره را با ظرافت به حرکت روشنفکرانی چون مصدق و آل‌احمد پیوند می‌زند. قابل ذکر است که هرچند رمان "جزیره سرگردانی" تداومی ده ماهه را در بر می‌گیرد اما نویسنده تنها دوازده روز از زمان گاه‌نامه‌ای این "تداوم" را به شکل خاطرات پراکنده گزارش نموده است. در خلال این روزها نیز با استفاده از ابزار "نابهنگامی" به مرور خاطرات بیست و سه سال از زندگی سیاسی ایرانیان پرداخته است. این مقوله خود گویای اهمیت زمان در

این رمان است و این که مخاطب در این رمان تنها با یک زمان خطی و تقویمی روبرو نمی‌گردد، بلکه با چند نوع زمان در ارتباط است. نخستین زمان، زمان گاه‌نامه‌ای رویدادهای اصلی رمان است که ده ماه را در بر می‌گیرد، هر چند تنها به گزارش دوازده روز این تداوم اکتفا شده است.

زمان دوم زمان درونی و ذهنی روایت است، که بیست و سه سال را، در بر می‌گیرد و به صورت پس‌نگر بر مبنای خاطرات و ذهنیت شخصیت‌ها، از روزهای کودتا و مبارزات مصدق و تفکرات روشنفکری پس از آن شکل می‌گیرد؛ هم چنین ایدئولوژی‌ها و تفکرات غالب زمانه، در ذهن و زبان شخصیت‌های رمان کاویده می‌شود و در برابر خواننده به داوری نهاده می‌شود. در این بخش رویداد ۲۸ مرداد، کشته شدن رضا خواجه نوری، واقعه مجلس چهاردهم، طرح ایدئولوژی خلیل ملکی، جلال آل‌احمد، سیمین دانشور و معرفی استاد فروزانفر و... همگی به شکل گذشته‌نگر روایت می‌شود.

دانشور در این رمان با رفت و برگشت‌هایی که میان آینده و گذشته و روایت زمان حال، انجام داده، توانایی خود را در به چنگ گرفتن سلسله زمان، به اثبات رسانیده است و به نحو احسن، از انواع نابهنگامی‌ها سود برده، زندگی شخصیت‌های اصلی داستان، اغلب به صورت گذشته‌نگر، روایت شده است. مثل شرح آشنایی سیمین، با توران خانم و خانم آشنایی؛ هستی با مراد و سیمین؛ کشته شدن حسین نوریان، همگی به صورت گذشته‌نگر روایت می‌گردد. برای مثال گزارش آشنایی هستی و مراد، با یک جا به جایی زمانی و به صورت عقب گرد هستی، از خط سیر روایت، با یک گذشته‌نگر روایت‌آمیز درون داستانی، این گونه روایت می‌گردد:

«آن روز که برف می‌آمد. دانشجویان پسر دانشکده حقوق با گلوله‌های برفی به دخترهای دانشکده هنرهای زیبا حمله کردند. یکی‌شان هستی را بغل زد و یک گلوله برف در شکاف یقه پیراهنش انداخت... هستی تقلا کرد، پایش لغزید و به

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی" • شمس‌الحاجه اردلانی • صص ۴۰-۱۱ □ ۳۱

زمین افتاد پسری دستش را گرفت و از زمین بلندش کرد... هستی به پسر تکیه داد
پسر به کارگاه رشته معماری بردش. پسر خندید و گفت، مرا می‌گویند مراد
پاکدل....» (همان: ۱۷۶)

مرگ حسین نوریان، نیز با یک جابه‌جایی، به شکل گذشته‌نگر روایت‌آمیز
برون‌داستانی، از زبان توران خانم، روایت گشته است:

«مادر بزرگ نفس نفس می‌زد: مصدق می‌آید از مجلس بیرون، می‌گوید: این‌جا
که مردمند مجلس است، نه آن‌جا... چارپایه نبوده، پسر دم‌دولا می‌شود و مصدق
روی پشت او می‌ایستد و سخنرانی می‌کند و بچه‌ام تیر می‌خورد.» (همان: ۲۹)

این روایت از آن‌جا که در مورد شخصیت‌های داستان است روایت‌آمیز و
برون‌داستانی است زیرا پیش از شروع روایت اتفاق افتاده است.

شرح سناتور شدن استاد فروزانفر، که رویدادی تاریخی است، به صورت
گذشته‌نگر روایت‌گریز برون‌داستانی، با یک تک‌گویی درونی غیر مستقیم، از ذهن
توران خانم روایت می‌شود.

«توران جان خبر سناتوری را از زنش شنیده بود در حمام ولی آباد همدیگر را
می‌دیدند... زن استاد گفته بود. آقا سناتور یوم شده‌اند.»

به طور کلی همان‌گونه که بیان گشت، بخش اعظم متن، به شکل گذشته‌نگر و از
ذهنیت اشخاص داستان روایت می‌شود. اما دانشور در این رمان از نوع دوم
زمان‌پریشی (ناپهنگامی) (پیش‌نگر، آینده‌نگر) برای ایجاد تعلیق و ازدیاد اشتیاق
مخاطب و جذب وی، در پی‌گیری روایت بهره می‌گیرد و وقایعی را، که در داستان،
هنوز اتفاق نیفتاده‌اند، بیان می‌کند و بدین‌وسیله جهان داستانی خود را جذاب و پر
تحرك می‌سازد. دانشور در این راستا، جهان متن را گاه به آینده انتقال داده، مثلاً
گزارش اعدام آقا شیخ سعید که پس از پایان متن اتفاق خواهد افتاد به شکل پرش
به جلو و به شیوه آینده‌نگر روایت‌آمیز برون‌داستانی روایت می‌کند:

«و بعدها که آقا شیخ سعید را در زندان به جوخه اعدام سپردند، سلیم او را به خوبی به یاد آورد که در یک جلسه گفتگو از باورهای توده مردم سخن گفت که همین باورها عرب پابرهنه را تا کجاها برد.» (همان: ۲۳۶)

این رویداد روایت‌آمیز است زیرا آقا شیخ سعید از شخصیت‌های فرعی داستان است. برون‌داستانی است زیرا اعدام آقا شیخ سعید پس از پایان متن اتفاق خواهد افتاد. در جابه‌جایی دیگری از زمان، دانشور، ارتباط سرنوشت هستی را، با جزیره سرگردانی، به شکل پرش به جلو در یک آینده‌نگر برون‌داستانی گزارش می‌کند:

«هستی به آب زلال استخر چشم دوخت. فکر کرد همین مردم وحشی ایران که بمب در ماشین می‌گذارند، در آخرین فرصت دلشان به رحم می‌آید، اما توها توکه متمدّن هستی زندانیان سیاسی را به جزیره سرگردانی حواله می‌دهی. یقین داشت که جزیره سرگردانی ربطی به سرنوشت خودش دارد.» (همان: ۲۰۳)

این روایت، که با آینده‌نگر روایت‌آمیز برون‌داستانی، بیان می‌شود، کارکردی تعلیقی دارد، زیرا خواننده از خود خواهد پرسید چگونه هستی به این جزیره مرتبط خواهد شد؟ سپس در ادامه در یک آینده‌نگر روایت‌آمیز برون‌داستانی دیگر روایت می‌کند:

«بعدها که او و مراد را، در جزیره سرگردانی، رها کردند، با هلی‌کوپتر و چشم‌های بسته، و چشم هردو را که باز کردند، جزیره را شناخت، مجموعه‌های مرده در کنارهم و دور از هم.» (همان: ۲۵۳)

اگرچه در رمان جزیره سرگردانی آینده‌نگرها بیش از رمان سووشون جلب نظر می‌کند اما وجه غالب در این رمان، هم‌چنان با گذشته‌نگرها است.

ث-۴) بسامد (تکرار) در رمان جزیره سرگردانی

بسامدها از جمله مؤلفه‌های زمانی هستند، که رابطه تعداد دفعات روایت یک

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی" • شمس‌الحاجیه اردلانی • صص ۴۰-۱۱ □ ۳۳

واقعه در متن را، با تعداد دفعات روی دادن آن در داستان، می‌سنجند، طی پژوهش‌های به عمل آمده در رمان جزیره سرگردانی مشخص گردید، کارکرد بسامدها، در رمان جزیره سرگردانی چندان متداول نیست و بسامد منفرد وجه غالب روایت، را تشکیل می‌دهد. پس از نقل منفرد که تکرار یک بار، از رویدادی است که یک بار اتفاق افتاده، رتبه دوم بسامدها را، بسامد بازگو به دست می‌آورد و رتبه سوم را، بسامد مکرر.

ث-۴-۱) بسامد منفرد از نوع غیرمعمول

این بسامد نقل مکرر واقعه‌ای است که به دفعات در داستان اتفاق افتاده است. این نوع بسامد، در رمان جزیره سرگردانی فقط یک مورد وجود دارد و آن شرح مکرر نمازهای صبح مادر بزرگ است، که کارکردش شخصیت‌پردازی و نشان دادن تنهایی و اضطراب مادر بزرگ است. توران خانم روزی که قرار است تنها بماند، پنج یا شش بار قامت می‌بندد. و روزی که دیدار کننده دارد. دچار اضطراب نمی‌گردد و تنها به خواندن یک نماز صبح، اکتفا می‌کند.

«مادربزرگ تنها یک نماز صبح خواند، نمازش را که سلام داد پرسید: هستی جان بیداری؟ و گفته همیشه‌گیش را تکرار کرد.» (همان: ۷)

روز عید نوروز که هستی به خانه عشرت خانم می‌رود و توران خانم تنها می‌ماند نمازهای صبح را تکرار می‌کند.

«و هستی پا شد. شمرده بود، مادر بزرگ نماز پنجم را سلام داده بود و برای نماز ششم قامت می‌بست که آفتاب پریده رنگ روزآخراسفند، از پنجره سرک کشید. مادر بزرگ رفت سراغ آلبوم عکس‌های پسرش و نامه‌های رنگ و رو رفته.» (همان: ۹۲)

«مادربزرگ سر به سجده گذاشت و زار زار می‌گریست و به خدا توسل می‌جست.» (همان: ۲۲۶)

هنگامی که عشرت گنجور قصد داشت مدتی در خانه توران خانم بماند، هستی نمازخواندن مادر بزرگ را این‌گونه گزارش می‌کند.

«توران‌جان به خواست هستی، او را خیلی زود از خواب بیدار کرد و هستی در رختخواب چشم به او داشت که تنها یک نماز صبح خواند پا شد نشست و دید که در جانماز مادر بزرگ اثری از آثار و آلبوم عکس و نامه‌های پسر شهیدش نیست و به یاد آورد که مادر بزرگ هیچ اشاره‌ای به پدر هستی نکرده.» (همان: ۳۰۲)

ث-۴-۲) بسامد منفرد از نوع معمول

بسامد منفرد از نوع معمول: وجه غالب این رمان است.

«استاد مانی گفت: عیسی خان و من هر دو مان عضو شورای جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران بودیم.» (همان: ۱۸)

و رویداد روز شورای پایان‌نامه هستی، فقط یک بار ذکر می‌شود.

«روزی را به یاد آورد که قرار بود استاد مانی و سیمین و هستی شور کنند و موضوع پایان‌نامه لیسانس هستی را تعیین کنند.» (همان: ۵۱)

ث-۴-۳) بسامد بازگو

از متداول‌ترین نقل‌ها، نقل رویدادی است، که به کرات رخ می‌دهند و مجموعه رخداد‌های مشابه را، در بر می‌گیرد و تنها یک بار، روایت می‌گردند.

«آن وقت که پاهایش درد نمی‌کرد، هر سال خودش می‌رفت سرخاک پسرش، گلاب و حلوا می‌برد به مقبره‌دار پول می‌داد، سنگ مزار آن ناکام را با گلاب می‌شست.» (همان: ۵۹)

کارکرد این بسامد علاوه بر شخصیت‌پردازی توران‌جان، بیان فرهنگ عامه و تاکید بر مرگ حسین نوریان است. نمونه‌های دیگر بسامدهای بازگو، کارکردی

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی" • شمس‌الحاجیه اردلانی • صص ۴۰-۱۱ □ ۳۵

شخصیت‌پردازانه دارد. سیمین دانشور با این نوع نقل‌تنهایی و روزمرگی مادر بزرگ را نشان می‌دهد. «عصرها که هستی به خانه می‌آمد، مادر بزرگ می‌گفت: خوب تعریف کن ببینم و هستی گزارش می‌داد.» (همان: ۶۶)

«روبروی حسینیۀ ارشاد بودند و بیژن سیگاری آتش زد و از چند و چون آن بنای گنبددار و مأموریت و رسالتش پرسید: و هستی از سخنرانی‌های دکتر شریعتی گفت و از جمعیت زیادی که گرد می‌آمدند و از این که امامت و شهادت و مهدویت انقلابی را مطرح می‌کند.» (همان: ۱۷۲)

دکتر علی شریعتی به کرات در حسینیۀ ارشاد سخنرانی کرده، اما سخنرانی‌های او در رمان فقط یک بار روایت می‌شود و کارکرد آن نشان دادن ایدئولوژی دکتر شریعتی و نقش باورهای مردم در انقلاب اسلامی است.

ث-۴-۴) بسامد مکرر

بسامد مکرر نقل چند باره از رویدادی است که یک بار اتفاق افتاده است. در رمان جزیره سرگردانی، این نوع بسامد کاربرد دارد؛ اما کاربرد این بسامد به گستردگی کاربرد آن در رمان سووشون نیست بسامدهایی که به صورت مکرر، در این رمان، بیان می‌گردند، عبارتند از شهادت حسین نوریان، که از چشم اندازه‌های متفاوت روایت می‌گردد، نگرانی هستی از باز نشدن در حمام سونا، که رمزی از اختناق سیاسی است، خریدن چراغ علاء‌الدین توسط هستی، بمب‌گذاری در ماشین مستر هیتی.

ث-۴-۴-۱) شهادت حسین نوریان

«توران جان برای صد و بیست و سه هزارمین بار شعارهایش را داد و از شهادت پسرش حرف زد.» (همان: ۲۵۶)

«و حالاً دور به دست توران خانم افتاد تا بگوید، پسرش در راه پیر مرد شهید شد دم مجلس تیر خورد.» (همان: ۲۶)

«مادر بزرگ نفس نفس می‌زد. مصدق می‌آید از مجلس بیرون، می‌گفت این‌جا که مردمند مجلس است نه آن‌جا، چهارپایه نبوده، پسرم دولا می‌شود و مصدق روی پشت او می‌ایستد و سخنرانی می‌کند و بچه‌ام تیر می‌خورد.» (همان: ۲۹)

ث-۴-۴) ترس از باز نشدن در حمام

«زن، با کوهی از گوشت تو آمد و در را محکم بست. باز هستی را ترس برداشت که نکند در باز نشود و در آن کوره بگدازند.» (همان: ۱۸)

«رایا، تو آمد و در حمام را محکم بست. هستی ناگهان ترسید که نکند در دیگر باز نشود. و در آن جهنم جزغاله شوند.» (همان: ۱۶)

«هستی گفت: لباس شنا آورده‌ام. به در و رفت و باز ترس سراغش آمد که نکند در باز نشود. در کیپ بود. هستی دستگیره مدور در را به راست و چپ می‌چرخانید.» (همان: ۱۶)

ث-۴-۴) علاءالدین خریدن هستی

«هستی به یاد آورد که اولین حقوقی که به دستش آمد خواسته بود یک رادیو بخرد و به جایش یک چراغ علاءالدین خریده بود.» (همان: ۱۷)

«اما هستی از اولین حقوقی که از اداره گرفته بود یک بخاری دستی علاءالدین خریده بود، چراغ جادو.» (همان: ۱۸)

ث-۴-۴) کار گذاشتن بمب در اتومبیل مستر هیتی

«من و فیروز یک بمب ساعتی در ماشین هیتی کار گذاشته بودیم دخترش آمد عقب ماشین لباس قلمکار پوشیده بود.» (همان: ۱۶)

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی" • شمس‌الحاجیه اردلانی • صص ۴۰-۱۱ □ ۳۷

«هستی می‌اندیشید: چرا بایستی در ماشین همچین آدمی بمب بگذارد، هر چند همین مرد عدم صلاحیت او را برای معلمی امضا کرده باشد.» (همان: ۲۱۰)

هنگامی که در مهمانی مردان، شعری که هستی، برای دختر هیتی سروده بود، خوانده می‌شود، این رویداد یک بار دیگر، به صورت تلویحی روایت می‌شود. «هلن گفت: لعل، چه تصادفی؟ هستی پرسید چطور مگر؟ لعل بانوگفت: اتفاقی برای هلن افتاده بود، که ترسیده بود. شبش شعر ترس ترا، برایش بردم و هستی می‌اندیشید چه تصادفی، که من هم گوش ایستاده باشم ودانسته باشم که تو چقدر باید ترسیده باشی.» (همان: ۲۰۰)

کارکرد این بسامد، نشان دادن تفکرات ضدغربی است، که اولین بار از سوی جلال آل احمد، تحت عنوان غرب‌زدگی طرح شد.

ث-۴-۴-۵) انگلیسی خواندن احمد گنجور

این بسامد از دیدگاه توران خانم و عشرت گنجور بیان می‌گردد کارکرد آن نمایانند حضور بیگانگان در ایران، و غرب‌زدگی بورژواها و تازه به دوران رسیده‌ها است.

«مامان عشی می‌گفت: رفت عضو انجمن ایران و امریکا شد و انگلیسی خواند، جورش با امریکایی‌ها جور شد. حتی دوسه ماهی رفت نیویورک و در برگشتن چند ماه لندن ماند.» (همان: ۱۲۰)

«مادر بزرگ زهرخند می‌زد و می‌گفت: پرونده‌اش پیش من است. امریکایی‌ها را خر کرد و رفت خرمشهر و بوشهر این دو شهر انگلیسی یاد گرفت و بعد که برگشت چو انداخت که امریکا بوده انگلیس بوده.» (همان: ۱۲۱)

نتیجه

دانشور در رمان جزیره سرگردانی، با دیدگاه مدرنیستی، به مقوله روایت می‌نگرد؛ در این رمان، زمان خطی و عینی، به شیوه داستان‌های سنتی، کاربردی ندارد. روایت در این رمان، با جابه‌جایی مداوم کانون، در میان لایه‌های ذهنی اشخاص داستان و میان زمان عینی و زمان ذهنی، پیوسته در نوسان است و ترتیب و توالی پیوسته زمان جای خود را، به تراکم درهم تنیده خاطراتی می‌دهند، که در ذهن شخصیت‌های داستان، براساس عمق و تجربه آن‌ها، نظام یافته‌اند، نه براساس تقدم و تأخر زمانی، دانشور در این رمان با استفاده از تکنیک هنری نابهنگامی‌ها، روابط توالی زمان داستان را، تغییر داده به تأخیر می‌اندازد و روایت را خلاف توالی زمان مستقیم ارائه نموده، با استفاده از تمهیداتی چون فلاش بک، رجوع به گذشته، توازی و فلاش فوروارد، رجوع به آینده، روند پیشروی روایت را، پیچیده نموده. وی رویدادهای داستان، را در الگوهای تکرار، حذف، توضیح و توقف زمان پیچیده و به نمایش گذاشته است. زمان دومی که در خلال زمان اصلی رویدادها، گزارش می‌شود فشرده شده و گستره وسیع روایت، به شکلی موجز، نشان داده شده، که منجر به حذف و برش‌های زمانی گشته، به شکلی پراکنده، لحظه‌های جداگانه‌ای از تاریخ ایران را نشان می‌دهد. هرچند بخش عظیم متن، به روایت‌های گذشته‌نگری، که از ذهنیت اشخاص داستان، روایت می‌شود، اختصاص دارد، که وجه غالب داستان را، در بر می‌گیرد؛ اما سیمین دانشور در این رمان به منظور ایجاد تعلیق و جذب مخاطب در پی‌گیری روایت، گاهی به نوع دوم زمان پریشی (آینده‌نگر)، چنگ انداخته، و جهان متن را، به آینده انتقال می‌دهد. و رویدادهای اتفاق نیفتاده را در داستان بیان می‌کند و به این طریق جهان داستان را جذاب و پرکشش می‌سازد.

کاربرد بسامدها در جزیره سرگردانی چندان متداول نیست و بسامد منفرد، صورت غالب روایت را، تشکیل می‌دهد. در این رمان، نقل، به شیوه بسامد بازگو،

زمان روایی در رمان "جزیره سرگردانی" • شمس‌الحاجیه اردلانی • صص ۴۰-۱۱ □ ۳۹

در چند مورد، دیده می‌شود. پنج رویداد در جزیره سرگردانی، به شیوه بسامد مکرر، نقل گردیده‌اند، کاربرد این نقل، به گستردگی کاربرد آن، در رمان پیشین خانم دانشور، نیست.

منابع

الف) کتاب‌ها:

۱. احمدی، بابک. (۱۳۷۲). ساختار و تاویل متن، (نشانه‌شناسی و ساختارگرایی). ج ۲. تهران: مرکز.
۲. اخوت، احمد. (۱۳۷۱). دستور زبان داستان. اصفهان: فردا.
۳. تودورف، تزوتان. (۱۳۷۹). بوئیقای ساختارگرا. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگاه
۴. دانشور، سیمین. (۱۳۸۰). جزیره سرگردانی. ج ۲. تهران: خوارزمی.
۵. ریمون-کنان، شلومیت. (۱۳۸۷). روایت داستانی: بوئیقای معاصر. ترجمه ابوالفضل حرّی. تهران: نیلوفر
۶. مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸) فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، از افلاطون تا عصر حاضر. تهران: فکر روز.
7. Rimmon-Kenan, Shlomith. (1983). *Narrative Fiction: Contemporary Poetics*. London: Routledge,
8. Toolan, Michael J. (2001). *Narrative: critical linguistic introduction* Second edition London: Routledge.

ب) مقالات:

۹. استم، رابرت. و بورگواین، وفلیترمن، س. (۱۳۷۷). روایت‌شناسی فیلم. ترجمه فتّاح محمدی. در مجموعه مقالات "روایت و ضدروایت". بنیاد سینمایی فارابی.